

نقد ادله قرآنی کثرت‌گرایی دینی

میثم فروغی*

چکیده

کثرت‌گرایی دینی نظریه‌ای متأخر است برای تفسیر و تبیین کثرت و تنوع ادیان گوناگونی که در طول تاریخ بشریت به ظهور رسیده است. کثرت‌گرایان بر این باورند که حقانیت و به تبع آن، نجات و رستگاری، منحصر در یک دین نیست؛ بلکه همه ادیان در عَرَض هم، دارای حقانیت و موجب نجات پیروانشان هستند. یکی از منابعی که آنها برای اثبات مدّعی خود به آن استناد کرده‌اند، قرآن است. آیاتی که حقیقت دین را تسلیم در برابر خداوند می‌داند، ایمان و عمل صالح را موجب رستگاری معرفی کرده، به وجود شرایع مختلف برای امت‌های مختلف اشاره کرده و برخی دیگر از آیات، مورد استناد قرار گرفته است. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی باتوجه به قواعد کلی تفسیر، مانند توجه به پیوستگی و ارتباط معنایی آیات قرآن با یکدیگر، توجه به شأن‌نزل آیات، توجه به روایات معتبر در تفسیر و عدم‌مخالفت تفسیر با مطالب عقلی قطعی و همچنین دقت در مفاد آیات مورد اشاره، ضعف استناد کثرت‌گرایان و عدم‌دلالت این آیات بر مدّعی آنها تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی: کثرت‌گرایی دینی، حقانیت، نجات، رستگاری، پلورالیسم دینی.

*. کارشناسی‌ارشد کلام اسلامی مؤسسه امام‌صادق (ع)، foroughi.m65@gmail.com

مقدمه

کثرت و تنوع ادیان، قدمتی دیرینه داشته و زمینه‌ساز بروز نظرات و مباحث مختلفی پیرامون منشأ، علت و دیگر مسائل مربوط به این پدیده شده است.

یکی از بحث‌های پر چالشی که خصوصاً در دوران‌های اخیر، پیرامون کثرت و تنوع ادیان شکل گرفته و بسیاری را به خود مشغول داشته، آن است که آیا می‌توان این کثرت را به رسمیت شناخت و همه ادیان و یا دست کم گروهی از آنها را بهره‌مند از حقیقت دانست؟ (ر.ک: یوسفیان، ۱۳۹۰، ص ۲۸۰). آیا حقیقت، تنها در یک دین خاص جای گرفته و دیگر ادیان به دور از آن بوده و بر باطل اند؛ و یا اینکه حقیقت در هر دین، به جلوه‌ای خاص ظهور کرده و تبلور یافته و در نتیجه همه ادیان بهره‌مند از آن هستند؟ در پاسخ به این‌گونه پرسشها، نگرش‌های مختلفی شکل گرفته است.

یکی از پاسخ‌ها و نگرش‌ها به این سؤال، کثرت‌گرایی دینی است. در این نگاه، همه ادیان بر حق هستند و راه هدایت و نجات، منحصر در یک دین خاص نیست. کثرت‌گرایان برای مدعای خود، ادله و استدلال‌هایی ارائه کرده‌اند. ادله آنها را می‌توان در دو دسته برون دینی (عقلی) و درون دینی (نقلی)، جای داد. ادله درون دینی آنها - مبتنی بر دین اسلام - شامل برخی آیات قرآن و برخی روایات ائمه علیهم‌السلام است. بررسی و بحث پیرامون همه ادله قرآنی کثرت‌گرایی، مجالی گسترده می‌طلبد، [۱] ازاین‌رو در این مقاله، تنها مهم‌ترین استنادات آنها به آیات قرآن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

مقصود از کثرت‌گرایی دینی

همان‌گونه که گذشت، در تبیین و تحلیل تنوع و کثرت ادیان، نگرش‌های مختلفی شکل گرفته است. این نگرش‌ها را می‌توان با ملاک حقانیت و ملاک نجات، در دو دسته کلی جای داد:

۱. انحصارگرایی

۲. کثرت‌گرایی

انحصارگرایی نیز به دو دسته مطلق و نسبی تقسیم می‌شود؛ ازاین‌رو با سه رویکرد مواجه هستیم (ر.ک: پترسون و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۰۲):



- ۱- انحصارگرایی مطلق: حقانیت و نجات، منحصر در یک دین خاص است؛
 - ۲- انحصارگرایی نسبی (شمول‌گرایی): حقانیت، منحصر در یک دین است ولی نجات، با وجود شرایطی، شامل دیگر ادیان نیز می‌شود؛
 - ۳- کثرت‌گرایی (پلورالیزم): حقانیت و نجات، عام بوده و مختص به دین خاصی نیستند. البته جدای از ملاک حقانیت و نجات و با نگاهی اخلاق مدارانه و مبتنی بر زیست مسالمت‌آمیز اجتماعی، می‌توان نگرش چهارمی تحت عنوان پلورالیسم رفتاری را نیز به این سه دسته افزود (ر.ک: یوسفیان، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸).
- آنچه در اینجا مهم و اساسی است این است که مدّعی کثرت‌گرایی به‌خوبی روشن شده و به اصطلاح محل نزاع تحریر شود. دراین رابطه باید تبیین شود که منظور کثرت‌گرایان دینی از حقانیت و نجات‌گری همهٔ ادیان چیست؟
- بنابراین در دو بخش حقانیت و نجات مدّعی آنها را بررسی می‌کنیم:

حقانیت

- کثرت حقایق در ادیان، می‌تواند در چند فرض مطرح شود:
- الف) وجود حقایق گوناگون و غیرمتعارض در عرض هم؛
 - ب) حقایق گوناگون و غیرمتعارض در طول یکدیگر که برخی عمیقتر از دیگری اند؛
 - ج) حق بودن گزاره‌های متناقض (ر.ک: همان، ص ۲۹۳-۲۹۴)؛
 - د) تفسیرهای مختلف از حقیقت واحد که همگی از دریچه‌ای مبهم به حقیقت نگریسته و جلوه‌ای ناقص از آن می‌باشند (ر.ک: هیک، ۱۳۷۸، ص ۷۳).
- یکی از طرفداران کثرت‌گرایی دینی می‌نویسد:
- این نکته را باید به گوش جان شنید و تصویر و منظر را باید عوض کرد و به جای آنکه جهان را واجد یک خط راست و صدها خط شکسته ببینیم، باید آن را مجموعه‌ای از خطوط راست دید که تقاطع و توازی‌ها و تطابق‌هایی باهم پیدا می‌کنند. بل حقیقت در حقیقت غرقه شد (سروش، ۱۳۷۷، ص ۲۶).
- دراین رابطه باید توجه داشت که در میان آموزه‌های بنیادین ادیان، با گزاره‌هایی متناقض و ناسازگار مواجه هستیم و کثرت‌گرایان با هر نوع تفسیری که از کثرت حقایق

دارند، باید موضع خودشان را نسبت به این نوع گزاره‌های متناقض ادیان، اعلام کنند. این مسئله بسیار مهم است؛ زیرا آنچه ادیان را از هم جدا می‌کند، همین گزاره‌های ناسازگار و جمع ناشدنی است که جزء اصول و مسائل بنیادی و ریشه‌ای ادیان هستند؛ اما گزاره‌ها و مباحثی که در ادیان مختلف، بایکدیگر هماهنگ بوده و در یک راستا می‌باشند، عملاً مشکلی ایجاد نمی‌کنند و محل بحث قرار نمی‌گیرند (ر.ک: همان، ص ۷۴ و ۱۶۴).

نجات

پلورالیسم در نجات و رستگاری مدّعی است که فلاح و سعادت، در گرو تدین و پذیرش یک دین خاص نیست. تقدیر و سرسپردگی به هر دینی از ادیان جهان، ضامن سعادت و کامیابی است. در تفسیر و تبیین نجات بخشی ادیان، دو فرض قابل طرح است: فرض اول اینکه: پیروان ادیان گوناگون به صورت مطلق و بدون هیچ قید و شرطی و فقط در صورت تدین به یکی از ادیان جهان، رستگارند.

فرض دوم این است که: پیروان ادیان نه به صرف تدین به یک دین، بلکه با وجود شرایطی خاص و با وجود برخی قیود، مانند مقصر نبودن شخص در عدم شناخت دین حق، اهل نجات می‌باشند.

از برخی سخنان کثرت‌گرایان برمی‌آید که قائل به فرض اول هستند:

من این را هم عرض بکنم که این امر کافی نیست که ما بگوییم کسانی که در دین خودشان صمیمانه عمل بکنند، معفوند یا معذورند، رأی صحیح، این را به ما می‌آموزد که مادامی که کسی عناد آگاهانه‌ای با حق (حقّی که خود می‌فهمد) در این دنیا نوزد، بنده مرحوم خداوند است، این جای سخن ندارد (همان، ص ۹۳-۹۴).

از این عبارت برمی‌آید که در نظر گوینده، نجات بخشی ادیان، فراتر از معذور بودن افرادی است که در تدین به ادیان ناحق، اهل تقصیر نبوده‌اند.

بررسی استنادات قرآنی کثرت‌گرایان

همان‌طور که گذشت، کثرت‌گرایان برای اثبات موضع خود به برخی آیات قرآن استناد جسته‌اند. در این بخش ابتدا به ذکر نکاتی کلی پیرامون تفسیر و برداشت از قرآن پرداخته و سپس برخی از مهم‌ترین آیات مورد استناد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

منطق فهم و برداشت از قرآن

باید توجه کنیم که استفاده از قرآن کریم، روش و قواعد خاصی دارد که بی‌توجهی به آن، ممکن است به برداشت‌های ناصحیح و تفسیر به رأی منتهی شود. موارد و قواعدی چون: توجه به مجموعه آیات و پیوستگی و ارتباط معنایی آیات قرآن با یکدیگر؛ توجه به شأن نزول آیات، توجه به روایات معتبر در تفسیر؛ عدم مخالفت تفسیر با مطالب عقلی قطعی و... (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۹؛ بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۷). به عنوان نمونه، این گزاره که تمامی ادیان موجود جهان، بر حق هستند و حقانیت در انحصار یک دین نیست، با حکم قطعی عقل در تعارض است. دلیلش هم این است که در ادیان موجود، گزاره‌هایی متناقض و جمع ناشدنی وجود دارد و عقل می‌گوید که ممکن نیست همه این گزاره‌ها درست و صحیح باشند (ر.ک: نیکزاد، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹). مثلاً قرآن، حضرت محمد ﷺ را پیامبر خاتم می‌داند (احزاب: ۴۰)، ولی مسیحیان به پیامبری ایشان معتقد نیستند. واضح است که در این مورد خاص، حقیقت یکی بیش نیست. یا پیامبر اسلام ﷺ، خاتم پیامبران ﷺ است یا این‌طور نیست. امکان عقلی ندارد که ایشان هم پیامبر خاتم باشد و هم نباشد؛ بنابراین می‌بینیم که حکم عقلی استحاله اجتماع نقیضین، به ما کمک می‌کند که برخی آیات قرآن را دال بر حقانیت همه ادیان تفسیر نکنیم؛ زیرا کلام خدای متعال، تعارضی با حکم قطعی عقل ندارد.

باتوجه به این مقدمه، به بررسی آیات مورد استناد پرداخته و دلالت آنها را در دو بخش حقانیت ادیان و نجات بخشی، بررسی می‌کنیم.

آیات مورد استناد کثرت‌گرایی دینی

الف) ایمان و عمل صالح، عامل رستگاری

خداوند در آیه ۶۲ سوره بقره می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

«البته آنان که ایمان آوردند (مسلمانان) و آنان که یهودی‌اند و نصارا و صابئان (پیروان حضرت یحیی)، هرکدام که به خدا و روز واپسین ایمان واقعی آورد و کرداری شایسته کند،



پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهی خواهند داشت» [۲]

نحوه استناد

برخی از قائلان کثرت‌گرایی دینی باتوجه به آیه ۶۲ سوره بقره، گفته‌اند: قرآن عقیده انحصاری بودن رستگاری به پیروان یک آیین خاص را مورد نقد قرار می‌دهد و بر امکان رستگاری پیروان ادیان مختلف تأکید می‌کند. معیار رستگاری از نظر قرآن، عام و برون آیینی است و آن، ملاک‌های معنوی و اخلاقی اند که می‌تواند به‌صورت جهانی در همه ادیان یافت شود (ر.ک: اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۸۷).

نقد

۱. باتوجه به آیاتی که اهل‌کتاب را به سبب دشمنی با مسلمانان و ایمان نیاوردن به پیامبری حضرت محمد ﷺ سرزنش و توبیخ می‌کند (ر.ک: نساء: ۱۳۶؛ اعراف: ۱۵۸؛ بقره: ۱۳۶ و ۱۳۷)، با اطمینان می‌توان گفت که مقصود خداوند در آیه ۶۲ بقره، به رسمیت‌شناختن ادیان گوناگون و قراردادن آنها در رتبه یکسان از لحاظ هدایت و فلاح نیست؛ بلکه خداوند در این آیه کریمه در صدد تبیین جوهر و گوهر هدایت و رستگاری است. خصوصاً که یهود و نصاری خود را فرزندان و دوستان ویژه خدا می‌پنداشتند (ر.ک: مائده: ۱۸) و مدعی بودند که مجرمان آنها چندروزی بیش در آتش دوزخ نخواهند ماند (ر.ک: بقره: ۸۰) و رستگاری را برای خود منحصر می‌دانستند. آنها از یک سو انتساب به یهودیت یا مسیحیت را برای نجات از عذاب دوزخ کافی می‌پنداشتند (ر.ک: بقره: ۱۳۵) و از دیگر سو، در عمل به فرمان‌ها و تعالیم الهی بی‌اعتنا بودند (سبحانی‌تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۴۵ و ۴۶)؛ ازاین‌رو خدای متعال در آیه ۶۲ سوره بقره هشدار می‌دهد که صرف این انتساب‌های ظاهری به دینی خاص و همراه‌داشتن نام آن، موجب هدایت و رستگاری نیست؛ بلکه اساس دین‌داری، ایمان به خدا و معاد و انجام اعمال صالح است؛ البته ایمان به خداوند هم صرف بیان زبانی نیست و لوازمی دارد. یکی از لوازم آن، ایمان به همه فرستادگان خدا و از جمله، آخرین آنهاست. شاهد این سخن، علاوه بر آیاتی که ذکر شد، آیه ۱۵۰ و ۱۵۱ سوره نساء است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ



سَبِيلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا» (آنان که به خدا و رسولان او کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و رسولانش جدایی افکنند و گویند: به برخی ایمان داریم و به برخی کافریم و می‌خواهند در این میان راهی برگزینند، آنان‌اند که حقیقتاً کافرانند).

۲. از شأن نزولی که برای آیه ذکر شده است (ر.ک: مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۸۴)، استفاده می‌شود که این آیه ناظر به پرسش و ابهامی است که برای شماری از مسلمانان در آغاز ظهور دین اسلام مطرح بوده است. این ابهام برای آنها بود که اگر راه حق و نجات، تنها باور به اسلام است، پس سرنوشت نیاکان و پدران‌شان که دارای ادیان دیگری بودند، چه می‌شود؟

در پاسخ به این پرسش و برای رفع چنین ابهامی، آیه ۶۲ سوره بقره نازل شد و اعلام کرد که هرکس در دوران زندگی خود، پیش از بعثت پیامبر خاتم، ایمان به الله و معاد و عمل صالح داشته، اهل نجات است. خداوند این حقیقت را به صورت یک قاعده کلی و جهان‌شمول بیان می‌کند و همه انسان‌ها را، با هر آیینی مشمول آن می‌داند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۹۳). آن قاعده این است که ملاک نجات، ایمان (به خدا و آخرت) و عمل صالح است؛ اما اینکه ایمان به الله چه لوازمی دارد و عمل صالح چگونه شناخته و تحقق می‌یابد، این آیه در مقام بیانش نیست؛ بلکه آیات دیگر قرآن کریم آن را بیان کرده است.

ب) مسلمان بودن اهل کتاب

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره: ۱۲۸).

(پروردگارا ما را اهل تسلیم خود ساز و از نسل ما نیز امتی اهل تسلیم خود قرار ده).

«وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ» (یونس: ۸۴).

(و موسی گفت: ای قوم من، اگر به خداوند ایمان آورده‌اید پس بر او توکل کنید اگر

مسلمانید).

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران: ۸۵).

(و هر که جز اسلام دینی بجوید هرگز از او پذیرفته نشود).

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹).

(بی‌گمان دین نزد خدا اسلام است).

نحوه استناد

پلورالیست‌ها بر این باورند که باتوجه به این آیات، از منظر قرآن، اسلام یعنی تسلیم مطلق در برابر خداوند که شامل تمام ادیان خصوصاً اهل کتاب می‌شود. ملاک، تسلیم خدا بودن است اما اینکه در قالب چه دین و مسلکی باشد مهم نیست بلکه می‌تواند در قالب اسلام، یهودیت، مسیحیت یا ادیان دیگر تحقق یابد و اختصاصی به یک دین مشخص ندارد (ر.ک: قدردان قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

نقد

۱. آیات ذکر شده، هیچ دلالتی بر کثرت‌گرایی در حقانیت ندارند. مدلول آیات این است که حقیقت دین، تسلیم حق بودن و سرسپردگی به دستورات الهی است و از آنجاکه دلیل عقلی قطعی می‌گوید که امکان ندارد چند قضیه متناقض، همه حق و درست باشند، بنابراین نتیجه می‌گیریم که آموزه‌های اصلی ادیان الهی که دستخوش تحریف نشده‌اند، در اعتقادات با یکدیگر هماهنگ و در یک راستا بوده‌اند.

۲. این آیات دلالت بر کثرت‌گرایی در نجات هم ندارند. مدعای کثرت‌گرایان این است که هم اکنون و در عرض دین اسلام، تبعیت از دیگر ادیان جهان به شکل مطلق (و نه فقط در فرض نرسیدن و نشناختن دین حق)، موجب نجات و رستگاری است. حال آنکه مدلول آیات ذکر شده بیش از این نیست که تبعیت از هر دین الهی، در ظرف زمانی خود و قبل از تحریف، مصداق تسلیم امر خدا بوده و موجب نجات است؛ اما اگر کسی در زمان دین خاتم که نهایی‌ترین سخن و دین فرستاده شده از جانب خداوند است، این دین را نپذیرد و به ادیانی که ظرف زمانی آنها گذشته و دچار تحریف هم شده‌اند، روی آورد، در حقیقت، «تسلیم» امر خداوند نیست و آیات ذکر شده شامل حال او نمی‌شود. شاهد این سخن این است که قرآن کریم لازمه «تسلیم» خدا بودن را ایمان به همه انبیای الهی و نبی خاتم می‌داند؛ زیرا نمی‌شود کسی تسلیم خداوند باشد اما پیامبر و فرستاده او را نپذیرد. خداوند می‌فرماید:

«فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ»؛ (بقره: ۱۳۷)

یعنی اگر اهل کتاب هم به مانند مسلمانان ایمان بیاورند و همه پیامبران علیهم‌السلام و پیامبر خاتم

را بپذیرند، آنگاه هدایت یافته‌اند و در صورت نپذیرفتن پیامبر اسلام، از هدایت بهره‌مند نیستند؛ زیرا حقیقت دین که همان «تسلیم» در برابر پروردگار است را ندارند.

ج) کثرت خدا خواسته

«لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (مائده: ۴۸).

(برای هرکدام از شما آیین و روش روشنی قرار داده ایم و اگر خدا می‌خواست شما را امتی یگانه می‌ساخت ولی [چنین نکرد] برای آنکه شما را در آنچه به شما داده بیازماید، پس به‌سوی خیرات پیشی گیرید).

نحوه استناد

یکی از قائلان به کثرت‌گرایی دینی در مورد این آیه می‌گوید:

کثرت سفرا خواست الهی است چراکه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» ولیکن دور زمان اقتضا داشته است که کثرت محقق شود. دیگر اینکه در این میان سخن از مسابقه است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» و در مسابقه هم برای آنکه عادلانه باشد، همه باید از شرایط یکسانی برخوردار باشند...؛ پس از آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» استنباط می‌شود که هریک از ادیان الهی راه رسیدن به خداست (بینامطلق، ۱۳۷۸، ص ۸).

نقد

۱. جمله «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» زمانی دلالت بر حقانیت همه ادیان دارد که مقصود از «شرعه» و «منهاج»، اصل دین باشد؛ یعنی خداوند برای هر امتی، دینی مجزا و مختص به آن امت قرار داده باشد؛ اما این مطلب قابل اثبات نیست و بلکه از برخی آیات، خلاف آن برداشت می‌شود. توضیح اینکه دین و شریعت (شرعه و منهاج) با یکدیگر تفاوت دارند. طبق آیاتی مانند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»، «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» و توضیحی که پیرامون آنها داده شد، دین یکی بوده و ثابت و نسخ نشدنی است؛ اما شریعت، متغیر بوده و هر امتی، شریعت جدا و مختص به خود داشته است؛ بنابراین ظهور آیه فقط در این است که هر امتی، شریعت خاص به خود را دارد ولی دلالتی بر تعدد اصل دین و رسمیت داشتن دینهای مختلف ندارد. تفاوت دین و شریعت هم در این است که دین مجموعه‌ای از اصول اعتقادی و خطوط کلی احکام و اخلاق را شامل

می‌شود و شریعت خطوط جزئی احکام عملی مانند کیفیت نماز و روزه و حج و... را در برمی‌گیرد. این خطوط جزئی به تناسب شرایط و ظرفیت مکلفان، متغیر و دگرگون می‌شود درحالی‌که خطوط کلی، ثابت و همگانی است؛ بنابراین اختلاف شرایع هریک از انبیای اولوالعزم با دیگر شرایع و مناهج: «لِکُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ» به معنای اختلاف خطوط جزئی و متغیر شریعت آنهاست نه اختلاف در خطوط کلی (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۵۹۱). در این صورت، آیه دلالتی بر حقانیت ادیان موجود که در گزاره‌های اصلی و بنیادین در تضاد باهم هستند، ندارد.

۲. آیه دلالتی ندارد که همه ادیان در همه زمان‌ها و به شکل مطلق، موجب نجات و رستگاری هستند. آیه تنها می‌گوید که هر امتی شریعت خاص به خود را داشته است و باتوجه به نکاتی که در شماره قبل ذکر شد، معنایش این است که هر شریعتی در زمان خودش و باتوجه به شرایط خاص آن زمان و ظرفیت‌های مخاطبین اش، رسمیت داشته و موجب نجات و رستگاری است؛ اما بعد از نسخ آن شریعت و آمدن دین و شریعت بعدی، دیگر شریعت منسوخ شده اعتبار ندارد و درنتیجه اگر کسی با علم به شریعت جدید و رسمی، آن را نپذیرد و براساس شریعت منسوخ عمل کند، اعمال او موجب رستگاری نیست (ر.ک: ربانی‌گلپایگانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴)؛ به عبارت دیگر آیه تنها در صدد بیان این مطلب است که هر امتی، شریعت خاص خودش را داشته است، اما از این جهت که آن شریعت در همه زمان‌ها رسمیت دارد و هیچگاه نسخ نمی‌شود و به‌طور مطلق عمل به آن موجب نجات می‌باشد، ساکت است. [۳]

۳. عبارت «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» نیز دلالتی بر تساوی شرایع، اعتبار و رسمیت همه آنها در عرض هم ندارد. آیه در این مقام است که پیروان هر شریعتی را به سبقت و پیشی گرفتن در عمل به خیرات و نیکی‌ها دعوت کند؛ اما اینکه شرایط و قیود این سبقت گرفتن چیست و آیا با عمل به دستورات هر دین و شریعتی ولو اعتبارش به پایان رسیده و منسوخ شده باشد نیز می‌توان سبقت‌گیرنده به سمت خوبی‌ها بود یا نه؟، در حیطه دلالت آیه قرار ندارد و آیه در مقام بیان این موارد و حدود آن نیست؛ به عبارت دیگر، لازمه دعوت به خیرات، این نیست که همه ادیان و شرایع، کاملاً مساوی و در عرض یکدیگر بوده و در همه زمان‌ها و



به صورت مطلق و بدون هیچ قید و شرطی، معتبر باشند و پیروان آنها می‌توانند با عمل طبق احکام آن شریعت ولو منسوخ شده باشد به سمت خوبی‌ها پیش بروند و با پیروان دین ناسخ و معتبر، برابر بوده و حتی نسبت به آنها سبقت‌گیرنده هم باشند.

معنای صحیح آیه این است که هر انسانی باتوجه به احکام شریعت معتبر زمان خودش، مخاطب «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» قرار می‌گیرد و در این صورت، سبقت‌گرفتن او به سمت خوبی‌ها و خیرات بر اساس همان شریعت خاص و در محدوده اعتبار آن معنا می‌یابد و می‌تواند نسبت به کسانی که هم ردیف او بوده و شرایط مشابهی با او دارند رقابت کرده و سبقت‌گیرنده به سوی خوبی‌ها باشد.

(د) هرکسی به دین خود

«لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» (کافرون: ۶)؛ (شما را دین خودتان باد و مرا دین خودم).

نحوه استناد

برخی افراد با برداشت ناصحیح از آیات سوره کافرون، اصل عیسی به دین خود و موسی به دین خود را مطرح کرده و آن را یک اصل قرآنی قلمداد کرده‌اند (ر.ک: اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷) و براساس آن، کثرت‌گرایی دینی و رسمیت داشتن و حقانیت همه ادیان را نتیجه گرفته‌اند.

نقد

۱. توجه به آیات قبل از این آیه و همچنین شأن نزول سوره کافرون، نشان می‌دهد که مخاطب آیات، بت‌پرستانی‌اند که متدین به هیچ دینی از ادیان الهی نبوده‌اند؛ بنابراین روشن است که خداوند با وجود اینکه در آیات فراوانی به شدت با بت‌پرستی مقابله کرده و آن را موجب ضلالت و گمراهی می‌داند، نمی‌تواند آن را به رسمیت بشناسد.

۲. باتوجه به نکته قبلی، معلوم می‌شود که از جهت سلبی، معنای آیه، رسمیت و حقانیت ادیان دیگر نیست؛ اما از جهت ایجابی، معنای آیه، اخبار از این است که کافران، دین پیامبر ﷺ را نمی‌پذیرند. علامه طباطبایی رحمته الله فرموده است:

در اینجا ممکن است به ذهن کسی برسد که این آیه مردم را در انتخاب دین آزاد کرده، می‌فرماید هرکس دلش خواست دین شرک را انتخاب کند و هرکس خواست دین توحید را برگزیند و یا به ذهن برسد که آیه شریفه می‌خواهد به رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دهد که

متعرض دین مشرکین نشود و لیکن معنایی که ما برای آیه کردیم این توهّم را دفع می‌کند، چون گفتیم آیه شریفه در مقام این است که بفرماید شما به دین من نخواهید گروید و من نیز به دین شما نخواهم گروید و اصولاً دعوت حقه‌ای که قرآن متضمن آن است، این توهّم را دفع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۴۷).



جمع‌بندی

بررسی و ملاحظه آیاتی که کثرت‌گرایان، مدعی دلالت آنها بر حقانیت و نجات‌گری ادیان مختلف هستند، همراه باتوجه به اصول و قواعد برداشت از قرآن، این نتیجه را فراروی می‌نهد که هیچ‌کدام از آیات ادعا شده، کثرت‌گرایی دینی را تأیید نمی‌کند؛ نه در حیطه حقانیت ادیان و نه در نجات‌بخشی آنها؛ البته اینکه برخی از پیروان ادیان غیرحق، ممکن است تحت شرایطی مانند عدم‌توان شناخت حق و جهل قصوری مورد عفو و رحمت الهی قرار گیرند، مسئله‌ای خارج از مدعای کثرت‌گرایان است که در جای خودش قابل تحقیق و بررسی است. [۴]

پی‌نوشت

- [۱]. برای بحث تفصیلی پیرامون آیات مورد استناد کثرت‌گرایان به این منابع رجوع شود: پلورالیسم دینی از منظر قرآن کریم، نگاشته علی اسلامی؛ پلورالیسم دینی و قرآن، نگاشته موسی ابراهیمی؛ قرآن و پلورالیسم، نگاشته محمدحسن قدردان قراملکی؛ تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، نگاشته علی ربانی‌گلپایگانی.
- [۲]. در ترجمه قرآن، از ترجمه حسین استادولی استفاده شده است.
- [۳]. در رابطه با نسخ شرایع، به مقاله «بررسی کلامی نگره نسخ شرایع پیشین از منظر سنت» نگاشته نرجس اصغر نیارمی و عبدالحسین خسروپناه، مراجعه شود.
- [۴]. در مورد سرنوشت برخی غیرمسلمانان از جهت نجات و معذور بودن، به کتاب عدل الهی از شهیدمطهری، فصل نهم (عمل خیر از غیرمسلمان) و کتاب آشنایی با ادیان بزرگ، نگاشته حسین توفیقی، بخش اسلام و ادیان مراجعه شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. اسلامی، علی، پلورالیسم دینی از منظر قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۲. بابایی، علی اکبر، قواعد تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سمت، ۱۳۹۴.
۳. بینامطلق، محمود، «حکمت متعالی ادیان / گفتگو»، فصلنامه هفت آسمان، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸، ص ۲۸۷.
۴. پترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ هشتم، تهران: طرح نو، ۱۳۹۳.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۶. ربانی گلپایگانی، علی، تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درسنامه مبانی و قواعد تفسیر، چاپ دوم، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰.
۸. سبحانی تبریزی، جعفر، پلورالیسم دینی یا کثرت گرایی، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱.
۹. سروش، عبدالکریم، صراطهای مستقیم، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۷.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۱. قدردان قراملکی، محمدحسن، قرآن و پلورالیسم، چاپ دوم، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ چهل و دوم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۸۱.
۱۳. نیکزاد، عباس، صراط مستقیم (نقدی بر صراطهای مستقیم)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۴. هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: تبیان، ۱۳۷۸.
۱۵. یوسفیان، حسن، کلام جدید، چاپ سوم، تهران: سمت، قم: مؤسسه امام خمینی (ع)، ۱۳۹۰.